

نیاز به ادای يك مسئولیت مبارزاتی عاجل

تصمیم دولت امریکا و سانر دولت های عضو ناتو مبنی بر اعزام نزدیک به چهل هزار نفر دیگر از نیروهای نظامی شان به افغانستان یکبار دیگر نشان می دهد که استراتژی جدید اشغالگران امپریالیست به سرمداری امپریالیست های امریکایی در افغانستان و منطقه، استراتژی تحکیم اشغال و تحکیم حضور نظامی است و نه استراتژی خروج. در چنین حالتی، جواب اصولی متقابل مردمان ما به اشغالگران و دست نشانندگان شان، جز تشدید و گسترش مبارزه و مقاومت علیه آنها چیز دیگری بوده نمی تواند، جوابی که باید قدرتمندانه به میدان بیاید.

جنگ تجاوزکارانه و اشغالگرانه ای که هشت سال قبل تحت بهانه سرکوب سازماندهندگان حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حامیان افغانستانی شان، به عنوان يك جنگ موقتی چندین ماهه و حد اکثر چند ساله برافه افتاد، اینک هشتمین سال خود را پشت سر می گذارد و پایان آن هنوز کاملاً معلوم نیست. در طی این هشت سال، روند افزایش نیروهای اشغالگر در کشور و تحکیم اشغال آن پیوسته ادامه یافته است. با ورود نیروهای تازه نفس امریکایی و غیر امریکایی به افغانستان، تعداد مجموعی نیروهای اشغالگر در کشور، به بیشتر از یکصد و پنجاه هزار (۱۵۰۰۰۰) نفر می رسد و با تعداد مجموعی نیروهای اشغالگر سوسیال امپریالیستی در افغانستان در دهه هشتاد گذشته برابری می کند.

یقیناً اوپاما گریچوف امریکایی نیست. او برای خروج از افغانستان آمادگی نمی گیرد. به همین سبب امپریالیست های امریکایی و سانر امپریالیست های متحد شان، دیگر اصلاً موضوع "خروج از افغانستان" را بر زبان نمی آورند، بلکه از "انتقال تدریجی" حرف می زنند؛ انتقال به مفهوم انتقال مسئولیت های جنگی قوت های اشغالگر به نیروهای پوشالی افغانستانی از لحاظ ظاهر رسمی، به مفهوم نقل مکان قوت های اشغالگر به کشور ها و مناطق دیگر و یا هم نقل مکان آنها به کشورهای خود شان. تکمیل موفقیت آمیز این پروسه "انتقال تدریجی"، که وقت آن را از اواسط ۲۰۱۱ تا آخر ۲۰۱۸ تعیین کرده اند، به مفهوم خاتمه یافتن حالت اشغال افغانستان نیست. فقط ممکن است تعداد نیروهای اشغالگر محدود گردد، مسئولیت ظاهری رسمی آنها صرفاً حفاظت از پایگاه های شان اعلام گردد و "مسئولیت های امنیتی" از لحاظ رسمیات ظاهری به قوای پوشالی چهارصد هزار نفری ای که سر تا پا ساخته و پرداخته اشغالگران بوده و خواهد بود، سپرده شود. بر علاوه توافقتنامه های استراتژیک میان رژیم پوشالی و حامیان امریکایی و اروپایی اش در تمامی ابعاد نظامی، سیاسی و اقتصادی خود بر حال باقی می ماند و بر مبنای آن در هر لحظه بی می توانند قوت های خارجی مستقر در پایگاه های نظامی شان در افغانستان را عملاً آرایش جنگی بدهند و در صورت احساس ضرورت، قوت های نظامی دیگری به کشور وارد سازند و یا اهداف مورد نظر شان را با سلاح های دور برد آماج قرار دهند. بطور خلاصه باید صریحاً بیان داشت که فقط و فقط يك مقاومت سرتاسری همه جانبه جنگی و غیر جنگی پیروزمندانه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده شان از طریق اخراج قهری قوت های اشغالگر و سرنگونی رژیم پوشالی، قادر است به حالت مستعمراتی در افغانستان خاتمه دهد. اما بر خلاف دوره جنگ مقاومت ضد شوروی، این بار کل اوضاع و شرایط کشوری، منطقه یی و بین المللی نشان می دهد که يك مقاومت ارتجاعی اسلامی نمی تواند قوت های اشغالگر را از کشور اخراج نموده و رژیم دست نشانده اشغالگران را سرنگون سازد. اینچنین مقاومتی شاید بتواند سال ها دوام نماید، اما نمی تواند حتی در سطح مقاومت ضد سوسیال امپریالیستی يك فرجام پیروزمند نسبی داشته باشد، پیروزی نسبی ای که به فرض محال تحقق یافتن، خود فاجعه دیگری از نوع فاجعه هشت ثوری گذشته خواهد بود.

طالبان و حزب اسلامی گلبدین خود نیروهایی اند که در اصل توسط امپریالیست های امریکایی، انگلیسی و وابستگان منطقه یی آنها ساخته و پرداخته شده اند. به همین جهت جستجوی راه سازش و مصالحه با آنها، یکی از اجزای اصلی استراتژی جدید اشغالگران امپریالیست به سرمداری امپریالیست های امریکایی در افغانستان را تشکیل می دهد. آنها نیروهای امتحان داده ای هستند که نتایج فاجعه بار حاکمیت های ارتجاعی شان، مردمان ما را تا مغز استخوان سوزانده است و قسماً هم اکنون نیز می سوزاند. ایدئولوژی و برنامه سیاسی به شدت ارتجاعی، شوونیستی، جاهلانه و استبدادی آنها خود بخود زمینه های مناسب فریبکارانه برای عادلانه جلوه دادن طرحات اشغالگران فراهم می سازد. این ایدئولوژی و برنامه سیاسی، نه تنها قادر نیست تمامی افراد و نیروهای مخالف اشغالگران و رژیم دست نشانده را، از میان تمامی اقشار و طبقات و ملیت ها و اقلیت های ملی، در يك مقاومت سرتاسری بسیج نماید، بلکه آنها خود آگاهانه در پی چنین بسیج مبارزاتی مقاومت خواهانه سرتاسری نیستند. آنها نه تنها به هیچوجهی قادر نیستند خشم زنان، یعنی نیمی از پیکر جامعه، علیه اشغالگران و دست نشانندگان را رها سازند، بلکه زن ستیزی مشمنز کننده شان خود زمینه ساز اجرای طرحات فریبکارانه دشمن اشغالگر و رژیم پوشالی در قبال زنان است. محدودیت اجتماعی و ملیتی آنها ذاتی و غیر قابل التیام است و امیدواری اشغالگران و دست نشانندگان شان در تحمیل قطعی انقیاد دراز مدت بر مردمان ما را بیشتر می سازد.

با توجه به تمامی این مسائل، برپایی و پیشبرد يك مقاومت ملی مردمی و انقلابی سرتاسری، بر محور مقاومت مسلحانه و به بیان روشن تر جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی، علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی، نه تنها از لحاظ پیوند دادن مقاومت ضد اشغال با انقلاب اجتماعی مورد نیاز در افغانستان، يك ضرورت و الزام قطعی غیر قابل انصراف است، بلکه صرفاً خاتمه بخشیدن به انقیاد مستعمراتی و حصول استقلال سیاسی افغانستان نیز بدون برپایی و پیشبرد چنین مقاومتی يك امر ناممکن به نظر می رسد.

حزب کمونیست (مانونیست) افغانستان با درک عمیق ضرورت و الزام قطعی غیر قابل انصراف مبارزاتی فوق الذکر، نه تنها برای اجرا و پیشبرد تمامی وظایف و مسئولیت های ایدئولوژیک - سیاسی، تشکیلاتی، توده یی و لوجیستیکی خود درین راستا تلاش پیگیر می نماید، بلکه خود را مکلف می داند که بخاطر تامین هماهنگی مبارزاتی مقاومت طلبانه میان تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی کمونیست و ملی - دموکرات مخالف اشغالگران و رژیم پوشالی نیز از هیچ کوشش و تلاشی دریغ ننماید. ما می توانیم - و باید - همزمان با پیشبرد تلاش برای ایجاد اینچنین هماهنگی مبارزاتی میان این نیروها و شخصیت ها، مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی، بخاطر حل و فصل تفاوت ها و اختلافات و یا لا اقل ایجاد تفاهم میان شان را نیز پیش ببریم. در واقع ایجاد هماهنگی مبارزاتی علیه اشغالگران، رژیم پوشالی و تسلیم شدگان قبلاً منسوب به جنبش چپ و جنبش ملی - دموکراتیک، به مثابه دشمنان عمده، و مقابله علیه طالبان و همفکشان شان به مثابه دشمنان غیر عمده کنونی، می تواند زمینه و فضای مناسبی برای پیشبرد مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی اصولی، سالم و سازنده بر سر اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی میان این نیروها و شخصیت ها به وجود آورد.

حزب کمونیست (مانونیست) افغانستان یکبار دیگر تاکید می نماید که ایجاد همسویی و هماهنگی مبارزاتی میان تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی کمونیست و ملی - دموکرات افغانستانی، در همراهی، سازماندهی و بسیج مقاومت طلبانه توده های پیشرو، يك مسئولیت عاجل کنونی و تحکیم و گسترش روز افزون این همسویی و هماهنگی مبارزاتی يك مسئولیت درازمدت مبارزاتی ملی مردمی و انقلابی است. ما در عین حالیکه خود را مکلف می دانیم که برای اجرا و پیشبرد این مسئولیت های عاجل و درازمدت مبارزاتی، از هیچ تلاش و کوششی دریغ ننماییم، سانر نیروها و شخصیت های انقلابی کمونیست و ملی - دموکرات را نیز در جهت راه اندازی عملی چنین تلاش و کوششی فرا می خوانیم.

حزب کمونیست (مانونیست) افغانستان